

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره دهم ، شماره سی و هفتم ، پاییز ۱۳۹۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۹/۱۸

صفحات: ۵۲ - ۳۱

بررسی رابطه بین گرایش به ارتکاب جرائم و آسیب های اجتماعی با سکونت در مسکن مهر استان سمنان

مرتضی شعبانی^۱ *

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین سکونت در مسکن مهر و گرایش به ارتکاب جرائم و آسیب های اجتماعی در استان سمنان بوده است. در این راستا بر اساس چارچوب نظری تحقیق دو دسته عوامل (اجتماعی و فرهنگی) به جهت سنجش رابطه بین گرایش به ارتکاب جرائم و آسیب های اجتماعی با سکونت در مسکن مهر استان سمنان استفاده شده است. متغیرهای اصلی این پژوهش شامل بی سازمانی اجتماعی، دینداری هستند. همچنین از متغیرهایی همچون سن، جنس، وضعیت تأهل، قومیت، مذهب، سطح تحصیلات و ... به عنوان متغیرهای زمینه ای استفاده شده است. با توجه به یافته های پژوهش میانگین متغیرهای دینداری، بی سازمانی اجتماعی در بین ساکنین مسکن مهر اندکی بیشتر از ساکنین سطح شهر می باشد. اما با توجه به بالا بودن عدد p و عدم معناداری، قابل تعمیم به جامعه آماری نبوده و تنها می توان در مورد نمونه مورد مطالعه مورد توجه قرار داد.

کلید واژه: ارتکاب جرائم، آسیب های اجتماعی، مسکن مهر، سمنان

مقدمه و بیان مسئله:

از مباحث مهم در حوزه جامعه‌شناسی توسعه، بررسی تأثیر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی جامعه و گروه‌های اجتماعی جامعه است. در گستره مطالعات مربوط به توسعه، بررسی مسائل جمعیتی و از جمله شهرنشینی، فصلی مهم به خود اختصاص می‌دهند و «مسکن» به‌عنوان مسئله‌ای اقتصادی - اجتماعی، یکی از اجزایی است که در بررسی‌های مربوط به فرایندهای رشد شهری در جوامع رو به توسعه، همواره یک مشکل پیچیده ارزیابی شده است (کاوه، ۱۳۹۱: ۳). از جمله وظایف دولت‌ها و حکومت‌ها، تأمین مسکن مناسب برای شهروندان و حمایت از آنان در راستای تأمین این نیاز اساسی است. در کشور ما نیز، تأمین مسکن همواره به‌عنوان یکی از دغدغه‌های همیشگی هر دولت مطرح بوده است. مسئله تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است و تاکنون سیاست‌های مختلفی برای تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد در نظر گرفته و به اجرا درآمده است (خدایی و میره، ۱۳۹۰).

دولت در ایران با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی از تعاونی‌های مسکن حمایت و یا سرمایه‌گذاری مستقیم کرده است. تعاونی‌های مسکن مهر با حذف قیمت زمین از قیمت تمام‌شده در ارائه‌ی واحدهای ساختمانی برای افراد کم‌درآمد اقدام نمود. طرح مسکن مهر در ابتدا در قالب بند (د) تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ آغاز شد و سپس بر مبنای قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه‌ی مسکن، به‌صورت پیوسته در دستور کار قرار گرفت. مبنای اصلی مسکن مهر بر این امر مبتنی است که ارزش زمین، بخش قابل توجهی از هزینه‌ی تمام‌شده مسکن را به خود اختصاص می‌دهد. این سهم در کل کشور در دوره‌ی ۳۵ ساله برابر ۴۰ درصد و در دهه‌ی اخیر برابر ۴۵ درصد بوده است. بنابراین با حذف یا کاهش ارزش زمین از هزینه تمام‌شده مسکن، می‌توان تا حدود زیادی هزینه‌ی مسکن را کاهش داد. در واقع آنچه طی سالهای اخیر به نام "پروژه‌ی مسکن مهر" در وزارت مسکن و شهرسازی مطرح شد، تجربه‌ی جدیدی برای تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد بوده است (نسترن و رعنائی، ۱۳۸۹).

متأسفانه در حال حاضر افزایش بی‌رویه بهاء مسکن موجب شده که قشر وسیعی از جامعه موفق به تهیه مسکن مناسب نشوند و به‌ناچار به محله‌ها و مسکن‌هایی پناه آورند

که صرفاً تأمین کننده حداقل نیازهای انسانی باشد. این مسئله می تواند مشکلات و مسائل متعددی در پی داشته باشد که از جمله مهم ترین این موارد مسئله ی بزهکاری است. به نظر بعضی از جرم شناسان، شرایط نامناسب مسکن یکی از عواملی است که تعادل روانی افراد را مختل کرده و مانع سازش اجتماعی و در نهایت بزهکاری می شود.

استان سمنان نیز هم زمان با سایر استان های کشور، نسبت به احداث مسکن مهر برای اقشار کم تر برخوردار اقتصادی اقدام کرد و اکنون شاهد سکونت افراد زیادی از گروه های مختلف اجتماعی و فرهنگی در این کلونی های مسکونی هستیم. قطعاً هرگونه برنامه ریزی و برآورد اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و حتی سیاسی برای این اماکن مستلزم شناخت ابعاد مختلف جمعیت شناختی، نگرش ها و گرایش های ساکنان آن می باشد. موضوعی که اکنون فقدان آن به وضوح احساس می شود. لذا این پژوهش تلاش خواهد کرد نسبت به توصیف وضع موجود ابعاد ذکر شده در مسکن مهر استان سمنان اقدام کرده و سپس نسبت به شناسایی روابط متغیرهای مطرح شده اقدام و در نهایت عوامل اثرگذار بر گرایش به ارتکاب جرم و آسیب های اجتماعی را همراه با میزان اثر آن ها معرفی نماید.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

با افزایش جمعیت شهرها به ویژه در کشورهای جهان سوم، مسئله زمین از اهمیت زیادی برخوردار می شود. در ایران، افزایش جمعیت شهرها و همین طور مهاجرت به شهرهای بزرگ باعث شده است که نیاز به مسکن از مهم ترین دغدغه های مدیران شهری به حساب آید. در سال های اخیر، دولت با رویکردی اجتماعی در تأمین مسکن، کوشیده است تا با ارائه زمین های دولتی، هزینه های زمین را از هزینه های مسکن کسر کرده و قیمت تمام شده مسکن را کاهش دهد؛ این سیاست به «مسکن مهر» معروف است. به نظر می رسد که مسئله اصلی در سیاست گذاری ها و برنامه های توسعه ای، خلأ شناختی جامعه شناسانه و روانشناسان از نیازهای پیچیده فردی و اجتماعی انسان امروز است. یکی از برنامه های توسعه ای که در سال های اخیر به اجرا گذاشته شد، احداث واحدهای مسکن مهر است،

از این رو با توجه به اهمیت رضایت از زندگی در ثبات ، سلامت و کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه، مطالعه این مقوله و شناخت آن در برنامه‌ریزی اجتماعی ضرورت دارد. هرچند احداث مسکن مهر در ابتدا فاقد هرگونه پیوست اجتماعی و فرهنگی بوده است، لیکن با سکونت حجم قابل توجهی از جمعیت در این بافت شهری و وقوع انواع آسیب‌ها و جرائم مختص به خود، ضرورت شناخت علمی این نواحی از زوایای مختلف بیش‌ازپیش احساس می‌شود. چه در غیر این صورت، هرگونه اقدامی را با شتاب‌زدگی همراه خواهد کرد که پیامد آن جز آزمون و خطا و پرداخت هزینه‌های مادی و غیرمادی چیز دیگری نخواهد بود. لذا گذشت زمان و پدیدار شدن آثار این نوع زندگی با شرایط ذکرشده، ضرورت انجام پژوهش علمی به منظور شناخت وضع موجود و برنامه‌ریزی برای نیل به وضع مطلوب را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی:

بررسی رابطه بین سکونت در مسکن مهر و گرایش به ارتکاب جرائم و آسیب‌های اجتماعی در استان سمنان

اهداف فرعی:

- بررسی رابطه بین میانگین دینداری بین ساکنین مسکن مهر با سایر شهروندان در سطح استان

- بررسی رابطه بین میانگین بی‌سازمانی اجتماعی بین ساکنین مسکن مهر با سایر شهروندان در سطح استان

پیشینه تجربی پژوهش:

ناصری و نقوی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "آپارتمان‌نشینی در شهرهای ایرانی - اسلامی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن؛ نمونه مورد مطالعه: مسکن مهر بروجرد"

مشکلات فرهنگی و اجتماعی مسکن مهرشهر بروجرد را مورد بررسی قرار داده و راهکارهایی جهت رفع آن ایراد کرده‌اند. هرچند ساخت بناهای بلند در ایران، ابتدا زاییده نیاز کارکردی، فرهنگی و اجتماعی و توسعه‌ای نبوده و صرفاً در دهه‌های اخیر بر احداث این‌گونه بناها با کاربری‌های مسکونی جهت کمک به حل مشکل مسکن خصوصاً در شهری مانند بروجرد به‌موجب تقاضای روزافزون مسکن ناشی از مهاجرت‌های روستا به شهر مورد توجه قرار گرفته است، لذا عدم شناخت صحیح از مقوله انبوه‌سازی و بلندمرتبه‌سازی و نبود آگاهی‌های عمومی در این خصوص، ضعف قوانین و مقررات و عدم رعایت همین قوانین ضعیف توسط سازندگان و نبود فرهنگ زیستی در این‌گونه ساختمان‌ها از چالش‌های پیش رو در این خصوص است. روش تحقیق در این مقاله بر اساس هدف از نوع کاربردی، بر اساس گردآوری اطلاعات پیمایشی از نوع مقطعی، بر اساس ماهیت داده‌ها از نوع کیفی و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات بر پایه مطالعات اسنادی و میدانی استوار است و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و آمار موجود در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین شیوه تحقیق موردی، مشاهده و مصاحبه در بستر مطالعات میدانی بهره گرفته شده است، همچنین برای مشکلات فرهنگی و اجتماعی ناشی از آپارتمان‌نشینی از روش تحلیلی استفاده شده است. مسائل اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در مسکن مهر بروجرد به‌عنوان دومین شهر بزرگ استان لرستان از نظر جمعیت و مساحت همواره پذیرای مهاجران بسیاری از شهرهای اطراف بوده و طیف وسیعی از مردمانی با فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده است و بیشتر این مهاجران به دلیل فقر مالی و همچنین قیمت ارزان مسکن مهر به زندگی در این آپارتمان‌ها روی آورده‌اند.

پویا و جمشیدی نسب (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان "مسکن مهر و حق به شهر جماعت‌های جدید" به مطالعه شهر پرند پرداخته‌اند. در این مقاله، پروژه مسکن مهرشهر جدید پرند، از منظر حق به شهر جماعت‌های شکل‌گرفته جدید، ارزیابی می‌شود. داده‌های موردنیاز در دو نوبت، یک‌بار در سال ۱۳۹۱ هنگام بهره‌برداری و اسکان اولیه و بار دیگر در سال ۱۳۹۴، گردآوری شده است. روش تحقیق کیفی است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده، مصاحبه با متصدیان و ساکنان و بررسی اسناد صورت گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که تأمین سرپناه ارزان‌قیمت در حومه شهر الزاماً تأمین‌کننده عدالت نیست و احتمال دارد بر میزان برخورداری بهره‌بران از حق به شهر اثر منفی بگذارد. از جمله ممکن

است در قبال بهره‌مندی از سرپناه ملکی فرصت‌های اشتغال برای بسیاری از آنان کاهش بیابد. از آنجاکه طبق پیشنهادهای طرح جامع مسکن جدید قرار است به‌جای مسکن مهر فعالیت‌های جدیدی برای تأمین مسکن کم‌درآمدان اجرا شود، بهتر است در صورت‌بندی این تمهیدات تجربه‌ی پروژه‌های مسکن مهر در نظر گرفته شود. به‌ویژه، متصدیان باید هنگام تهیه و اجرای برنامه‌های مسکن کم‌درآمدان خدمات جانبی و دسترسی‌های موردنیاز (مانند اشتغال، آموزش، بهداشت و سایر خدمات شهری) را در قانون توجه قرار بدهند.

حجازی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی وضعیت طرح مسکن مهر از دیدگاه ساکنان" مسکن مهر ماهشهر را موردبررسی و ارزیابی قرار داده است. هدف اصلی در این مقاله ارزیابی میزان رضایت‌مندی ساکنان از مجتمع‌های مسکونی مسکن مهر استان که در این مطالعه شهر ماهشهر در اولویت قرار گرفته است. روش این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد و به‌منظور جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات از دو روش اسنادی و میزانی (پرسشنامه‌ای) استفاده شده است و از نرم‌افزار SPSS و روش آزمون‌های همبستگی و t تک‌نمونه‌ای برای تجزیه و تحلیل نتایج مطالعه بهره گرفته شده است. نتایج حاصل حاکی از آن است که سطح رضایت‌مندی سکونتی در مجتمع‌های مسکن مهرشهر ماهشهر ۲/۸۳ می‌باشد که نشان از رضایت نسبی یا متوسط ساکنان این شهر است. شاخص‌های تسهیلات مجتمع، امنیت و روشنایی و تهویه از نقاط ضعف و شاخص کالبدی و سطح اقتصادی بیشترین تأثیر را در رضایت‌مندی ساکنان دارند.

بابایی و قربان پور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "ابعاد جرم‌زایی سیاست مسکن مهر" به بررسی توصیفی ابعاد جرم در مسکن مهر پرداخته‌اند. ابعاد جرم‌زایی سیاست اتخاذشده توسط دولت نهم در امر تأمین مسکن ارزان‌قیمت برای دهک‌های پایین درآمدی جامعه یعنی مسکن مهر، از دو منظر بوم‌شناختی و جامعه‌شناختی قابل‌بررسی است. از بعد بوم‌شناختی، مسکن مهر با داشتن شاخص‌های تراکم جمعیتی بالا، تفکیک و جدایی‌گزینی و دامن زدن به مهاجرت افراد و از جهت جامعه‌شناختی تعارض فرهنگی، گم‌نامی و خلأ هنجاری (آنومی) و همچنین دامن زدن به کاهش سرمایه‌های اجتماعی (ازجمله احساس امنیت، اعتماد و همبستگی ساکنان)، در معرض خطر بالای جرم خیزی قرار دارد. این عوامل که به نظر می‌رسد از شتاب‌زدگی و عدم مطالعه‌ی جامع و همه‌جانبه در امر مسکن نشأت می‌گیرد افق خوشایندی را برای وضعیت سلامت مسکن جامعه ترسیم نمی‌کند.

بنابراین شایسته است تدابیر کارشناسانه‌ای از سوی متولیان امر، برای جلوگیری از رسیدن به چنین وضعیتی اتخاذ گردد. این مقاله پس از تحلیل عوامل بوم‌شناختی و جامعه‌شناختی علل جرم و انطباق آن باسیاست مسکن مهر، راهکارهایی را نیز برای برون‌رفت از موقعیت‌های جرم‌زا پیشنهاد می‌نماید، نظیر پایبندی به اهداف اولیه‌ی طرح مسکن مهر از طریق اعمال نظارت دقیق بر روند اجرای قوانین و آیین‌نامه‌هایی که ابتدا برای واگذاری مسکن مهر وضع شده بود از جمله ماده‌ی ۲۱ دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه‌ی بند د تبصره‌ی ۶ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۶ و همچنین وضع ضمانت اجراهایی برای برخورد با متخلفان که می‌تواند به کاهش مواردی مانند مهاجرت افراد به کلان‌شهرها و به تبع آن کاهش تعارضات فرهنگی و همچنین ناشناس بودن افراد و درنهایت کاهش جرائم و انحرافات کمک شایانی بکند. همچنین با تبدیل واحدهای نیمه‌ساز فاقد متقاضی به زیرساخت‌های ضروری و تقویت ابعاد کیفی، می‌توان امید به افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی - به‌عنوان اهرم اساسی پیشگیری اجتماعی از جرم - در مسکن مهر داشت.

چهارچوب نظری:

جرم و گرایش به ارتکاب جرم:

در منابع حقوقی، جرم، فعل یا ترک فعلی است که توسط قانون پیش‌بینی شده و مجازات بر آن تعلق گرفته و قابل استناد به فاعل آن است. جرم در معنی عمومی خود کج روی و انحراف از قانون است و در اصطلاح قضایی هر گونه عمل و اقدامی که مخالفت با قانون صورت گیرد جرم تلقی می‌شود. «مان» جرم را عملی می‌داند که منجر به نقض قانون می‌شود. همچنین می‌توان جرم را عملی دانست که به رفاه عمومی آسیب می‌رساند. در جرم‌شناسی نه تنها فعل یا ترک فعل را که در قانون برای آن مجازات، پیش‌بینی شده جرم می‌نامند، بلکه هر عمل را که مضر با وضع اجتماعی بوده هر چند در قانون جزا پیش‌بینی نشده باشد نیز مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهند. تعریف فوق با دیدگاه «جانسون» در بیان مفهومی جرم نزدیک است وی در تعریف جرم می‌نویسد: «جرم رفتار ضداجتماعی است که به منافع اجتماعی آسیب می‌رساند.»

به نظر « دورکیم » هر کردار مجازات پذیر جرم است و جرمی که بدین سان تعریف می شود موضوع علم خاصی به عنوان « جرم شناسی » است . وجه تمایز ذاتی جرم این است که موجب واکنش اجتماعی تحت عنوان کیفر می شود که خود آن بیانگر آن است که کردار گناهکار وجدان جمعی را جریحه دار کرده است . همه کردارهایی که دارای این خصلت مشترک هستند یعنی به محض انجام یافتن موجب واکنش خاص جامعه تحت عنوان کیفر می شوند جرم خواهند بود . بنابراین می توان گفت جرم عبارت است از : « فعلی که احساسات جمعی معینی را که دارای نیرو و صراحت مخصوص است ، جریحه دار می سازد . »

مع الوصف ، جرم و رفتارهای مجرمانه را می توان به آن دسته از رفتارهایی اطلاق نمود که از یک سو منجر به نقض قوانین در جامعه می شود و از سوی دیگر به علت شکسته شدن قواعد و هنجارهای اجتماعی و وجدان جمعی جامعه ، کیفر و مجازات هایی را برای فرد مجرم در نظر می گیرند . (مولا زاده ، ۱۳۷۵: ۱۲۱)

گرایش به ارتکاب جرم حالت بالقوه ای است که ارتکاب نیافته و جرمی صورت نپذیرفته است ، لیکن میل به این شیوه رفتاری در افراد وجود داشته و در صورت بروز زمینه مساعد ، این میل و رغبت تبدیل به رفتار مجرمانه خواهد شد . کج رفتاری (انحراف اجتماعی) تخلف عمدی از هنجارهای اجتماعی است و با مطالعه آن درک بهتری از نظم اجتماعی به دست می آید . غالباً انحراف اجتماعی رفتاری است که بر خلاف وفاق جامعه است و آن را به عدم همنوایی با یک هنجار یا مجموعه ای از هنجارهایی که مورد قبول اکثریت اعضای یک جامعه واقع شده است ، تعریف می شود (احمدی، ۱۳۹۲: ۳).

دینداری:

گلاک طی دو دهه ۵۰-۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا بود . وی بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد و با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۶۵ ، به شرح و بسط الگوی جدید از دین داری پرداخت . هدف اصلی آن ها ، عمدتاً درک شیوه های متفاوتی بود که مردم به توسل آن ، خود را مذهبی می پنداشتند . بر اساس دیدگاه گلاک و استارک به رغم آنکه ادیان جهانی در جزئیات باهم تفاوت بسیار زیادی دارند ، اما حوزه های کلی مشترکی با یکدیگر دارند که دین داری در آن حوزه ها و یا ابعاد جلوه گر می شود . آن ها برای دین داری چهار بعد اصلی «عمل» ، «باور» ، «تجربه» ، «دانش یا معرفت» را تحت عنوان ابعاد التزام دینی مطرح کرده اند . این ابعاد چهارگانه ، در سطح

مقیاس‌های اولیه به پنج شاخص یا مقیاس تقسیم شده‌اند که افزایش آن، ناشی از تفکیک بعد عمل به دو بخش شاخص مناسکی و عبادی است (پویافر و سراجی زاده، ۱۳۸۷: ۳۹).

بعد باور (اعتقادی): آن چیزی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند.

بعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی پیدا می‌کنند.

بعد تجربی: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دین‌دار مرتبط است. احساسات عواطف دینی وجه عالی‌تری از دین‌داری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد.

بعد دانش: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد، مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بعد دانش است.

بعد پیامدی: این بعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دین‌داری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد، از جمله این‌که، بعد پیامدی فی‌نفسه پیامد دین‌داری است، نه بعدی از ابعاد آن. بعد پیامدی دین‌داری، که با این انتقاد از الگوی دین‌داری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشری است. (پویافر و سراجی زاده، ۱۳۸۷: ۳۹).

بی‌سازمانی اجتماعی:

از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی تا ربع سوم قرن بیستم، توسعه نظری مفهوم «بی‌هنجاری» و «بی‌سازمانی اجتماعی» توسط دورکیم (۱۸۷۸)، پارک و برگس (۱۹۲۷)، پارسونز (۱۹۴۲) و مرتن (۱۹۵۷)، به مطالعات محیط اروپایی و آمریکایی در تبیین جرم و بزهکاری کمک کرد. مطالعات این صاحب‌نظران، همبستگی معناداری را میان رفتار انحرافی و عواملی چون: سن، جنس، تراکم و رشد جمعیت، شهرنشینی و مذهب نشان داد. به اعتقاد این محققان، عوامل اجتماعی، افراد را کنترل می‌کنند؛ ولی هنگامی که این عوامل بی‌ثبات

شوند، افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خوددارند و فقدان ثبات در ساختار اجتماعی، رفتار انحرافی را به همراه خواهد داشت (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). مرتن در این باره می‌نویسد: رفتاری که از نظر اجتماعی منحرف است، همان قدر محصول ساختار اجتماعی است که رفتار هم سو و هم‌خوان با هنجارهای اجتماعی (دوچ و کراوس، ۱۳۸۶، ۲۱۲): به‌طور کلی اساس این نظریه تا آن است که برخی اجتماعات به خاطر اختلال در فرآیندهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی، قادر به خودتنظیمی مؤثر نیستند. این شرایط منجر به مختل شدن ساختار سازمانی محله می‌شود که سست شدن پیوندهای ساکنان نسبت به همدیگر و نسبت به اجتماع را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه برخی از ساکنان به‌طور طولانی مدت از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نخواهند کرد؛ زیرا این اجتماعات بی‌سازمان قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند. به این دلیل که آن‌ها نمی‌توانند وفاق مربوط به ارزش تا، هنجارها، نقش تا و یا توافقات سلسله مراتبی را در میان اعضایشان ایجاد یا حفظ کنند (بیات، شرافتی پور و عبدی، ۱۳۸۷: ۷۵)

نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، جامعه را یک نظام پیچیده و پویا می‌داند که بخش‌های مختلف آن از طریق قواعد و مقررات اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و منظم می‌شوند و هنگامی که مسئله‌ای یک بخش از نظام را تغییر می‌دهد، سایر بخش‌های آن نیز باید خود را با آن بخش هماهنگ و سازگار کنند. از نگاه این نظریه، مسائل اجتماعی محصول درهم‌ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است. چنان که طلاق، جنایت، جنگ، خودکشی، اعتیاد، خشونت، الکلیسم و سایر مسائل اجتماعی از این نگاه برآیند گسیختگی مناسبات هنجار بین مردمی است که جامعه، ثبات و استمرار خود را مدیون آن‌هاست. به سخن دیگر، اشکال گوناگون نابهنجاری، نتیجه دگرگونی و گسیختگی قوانین نظام بخش و سازمان دهنده‌ای است که قبلاً وجود داشته‌اند؛ ولی به‌واسطه تغییرات نابهنجار اجتماعی، واژگون شده و سپس به وجود آورنده انحراف شده‌اند (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۳۸ و ۱۲۳). نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کار آیی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به‌عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، هم‌چنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پی آمد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به‌سوی حوزه‌های شهری است را باعث افزایش جرمی هم چون: قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌داند (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). هم‌چنین این نظریه تا قریب به‌اتفاق مسائل اجتماعی را محصول انهدام سنن، تعارض قواعد اجتماعی، فقدان قواعد

متنوع رفتاری در سطح جامعه (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، تضاد فرهنگی، بی‌هنجاری، ضعف قوانین و ناهماهنگی نهادها و مناسبات اجتماعی که در نتیجه تغییرات سریع اجتماعی و برهم زنده تعادل آن به وجود آمده است و باعث احساس ناکامی در افراد و انهدام کنترل اجتماعی می‌شود، می‌داند. پیروان نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی راه‌حل مسائل اجتماعی را در ایجاد قوانین کارآمد یا کاهش سرعت تغییرات اجتماعی در راستای احیای هماهنگی پیشین نظام اجتماعی خلاصه می‌کنند. به اعتقاد آنان، راه‌حل بزهکاری عبارت است از: ایجاد و تقویت قواعد اجتماعی مناسب، صریح، قابل اجرا و سازگار برای کنترل وضعیت تا از طریق هماهنگ‌سازی رفتار مردم و نظام که در پرتو ارزیابی و تعدیل دائمی قواعد مزبور همواره در راه رفع نیازهای انسانی جامعه گام نهاده و رفع کننده نیاز بزهکاری می‌شود (همان، ۳۱۹ و ۲۱۶). مهم‌ترین ایرادات وارد شده به این نظریه تا آن است که بیشتر به توسعه تبیین‌های نظری انحراف پرداخته‌اند تا به اصلاح اجتماعی و اغلب به فقدان روحیه جمعی در مسائل حوزه‌های حاشیه شهری اشاره دارند (رجبی پور، ۱۳۸۷: ۴۲).

روش تحقیق:

با توجه به اینکه تحقیق حاضر در نظر دارد ضمن بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر ترس از جرم و آزمون ارتباط میان متغیرهای موجود، نتایج حاصله را به کل جامعه آماری تعمیم دهد و نسبت به ارائه راهکارهای عملی ارتقای احساس امنیت به مسئولین مربوطه اقدام نماید، لذا پژوهش کمی و راهبرد پیمایش مد نظر قرار گرفته است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌ای با سؤالات بسته استفاده شد. پرسشنامه همان‌گونه که از کیا و دربان آستانه (۱۳۸۹) تأکید کرده‌اند، فی‌نفسه بهترین روش نبوده و بدتر از روش‌های دیگر گردآوری اطلاعات نیز نیست. تصمیم‌گیری در مورد انتخاب روش گردآوری اطلاعات به مسئله، اهداف و فرضیات تحقیق، به مدل تحلیلی و خصوصیات میدان (جامعه آماری، پراکندگی، ویژگی‌های نمونه و ...) بستگی دارد (از کیا و دربان آستانه، ۱۳۸۹) که در پژوهش حاضر با توجه به این موارد از پرسشنامه استفاده شد.

جامعه آماری در این تحقیق، کلیه افراد بالای ۱۸ سال در شهر سمنان در سال ۱۳۹۷

تشکیل

می‌دادند که طبق سرشماری انجام‌گرفته در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۱۲۳۴۶۰ نفر می‌باشند. برای انجام نمونه‌گیری در تحقیق حاضر از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است به منظور برآورد حجم نمونه، با مد نظر قرار دادن دو نوع تحلیل اصلی در پژوهش حاضر (تحلیل آماری مبتنی بر همبستگی و تحلیل رگرسیون) از نرم‌افزار SPSS Sample Power^۱ استفاده گردید. بنابراین حجم نمونه پژوهش در دو مرحله با مد نظر قرار دادن دو نوع تحلیل بالا برآورد شد:

تحلیل همبستگی: برای نمونه‌گیری در این پژوهش، از درصد خطا ۰/۰۵ و توان ۰/۹۶ و حجم اثر ۰/۱۵ استفاده شد. که با توجه به این موارد، حجم نمونه تعداد ۴۴۰ نفر برآورد گردید.

فرضیات پژوهش:

پس از مطالعه مبانی نظری مرتبط با موضوع پژوهش و همچنین مطالعه دقیق ادبیات داخلی و خارجی تحقیق و همچنین با در نظر گرفتن بافت جمعیتی و فرهنگی استان سمنان و مطالعه یافته‌های مرتبط پیشین در این استان، فرضیه‌های زیر مطرح گردید:

- به نظر می‌رسد میانگین دینداری بین ساکنین مسکن مهر با سایر شهروندان در سطح شهرستان متفاوت است.
- به نظر می‌رسد میانگین بی‌سازمانی اجتماعی بین ساکنین مسکن مهر با سایر شهروندان در سطح شهرستان متفاوت است.

^۱ این نرم‌افزار با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر حجم نمونه در موقعیت‌های مختلف و متناسب با روش‌های آماری تحلیل داده حجم بهینه نمونه را برآورد می‌کند.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش:

دینداری:

تعریف مفهومی: دینداری به معنای داشتن اهتمام دینی است (همیل فارب، ۱۹۷۷) به نحوی که نگرش، گرایش و کنش های فرد تحت تأثیر آن قرار می گیرد (سرایبی و اجاقلو، ۱۳۹۲: ۳۱). یکی از تقسیم بندی های جامعی که تلاش نموده است تمام ابعاد دینداری را اندازه گیری نماید، مقیاس پنج بعدی گلاک و استارک (۱۹۶۶) می باشد که تحت عنوان باورها، مناسک، تجربه، دانش و پیامدها تنظیم شده است. لیکن از آنجا که این سنجه ها مطابق با اصول و عقاید دین مسیحیت می باشد، سنجش دینداری در ایران نیز بهتر است با سنجه هایی بومی و با توجه به اصول و شریعت اسلامی به انجام رسد. بر این اساس، خدایاری فرد و همکاران (۱۳۹۰) در کتاب مبانی نظری و روش شناسی مقیاس های دینی، دینداری را بر پایه ی سه بعد باور، عواطف دینی و التزام و عمل به وظایف دینی سنجیده است.

تعریف عملیاتی: منظور از دینداری در این پژوهش، میانگین نمراتی است که پاسخگویان به ۷ گویه مرتبط با این متغیر داده اند.

بی سازمانی اجتماعی

تعریف مفهومی: این مفهوم که به طور اساسی از آثار ابتدایی مکتب شیکاگو توسعه یافته (شو و مک کی، ۱۹۴۲)، و شامل مجموعه مفاهیمی از قبیل تنوع در ظرفیت محله ها و همسایگی ها است. این ظرفیت کارکرد انسجام محلی را بر عهده دارد که خود انعکاسی از اندازه، شدت و وسعت پیوندهای شبکه ای و سطح مشارکت سازمانی ساکنان است (بوسیک و گراوز، ۱۹۸۹؛ سمپسون، ۲۰۰۰). همچنین مفهوم سازی های اخیر در این رابطه بر شکل مستقیم کنترل غیررسمی یا اثرگذاری جمعی - توانایی مداخله مؤثر در مسائل محل و نظارت اهالی برای حفظ نظم عمومی تمرکز دارد (سمپسون و دیگران، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹).

تعریف عملیاتی: منظور از بی سازمانی اجتماعی در این پژوهش، میانگین نمراتی است که پاسخگویان به ۷ گویه مرتبط با این متغیر داده اند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات:

یافته‌های توصیفی:

بر اساس یافته‌های اصلی پژوهش، از نظر جنسیت، ۵۲.۵ درصد از جمعیت نمونه را مردان و ۴۷.۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. به عبارتی دیگر تعداد کمتر از نصف نمونه آماری را مردان و تعداد بیشتری را مردان شامل شده‌اند. بنابراین، تعداد مردان نمونه آماری بیشتر از زنان هستند. همچنین میانگین سنی پاسخگویان، ۴۰.۰۸ می‌باشد. (۶۴.۰) درصد از پاسخگویان، متأهل، (۲۵.۸) درصد از پاسخگویان مجرد، (۵.۸) درصد از پاسخگویان طلاق گرفته، (۴.۰) درصد از پاسخگویان همسر فوت شده هستند. اکثریت پاسخگویان متأهل هستند. (۶۰) درصد از پاسخگویان در شهرهای سمنان و شاهرود زندگی می‌کنند و (۴۰) درصد از آنان در شهرهای دامغان و گرمسار سکونت دارند. (۰.۸۹) درصد از پاسخگویان فارس بوده و تنها (۱۱) درصد از پاسخگویان از قوم‌های (آذری، کرد، لر، لک، عرب، بلوچ، مازنی و ...) بوده‌اند. (۰.۹۹) درصد از پاسخگویان، مسلمان شیعه بودند و (۰.۸) درصد از پاسخگویان مسلمان سنی و در نهایت، (۰.۳) درصد از پاسخگویان، از ادیان دیگر بودند. از نظر سطح تحصیلات، مقطع کارشناسی با (۲۳.۸) درصد بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است و در ادامه دیپلم با (۲۹.۳)، کاردانی با (۱۳.۰) درصد، راهنمایی با (۱۰.۰)، کارشناسی ارشد و ابتدایی با (۸.۵) درصد، و در نهایت دکتری با (۳.۸) درصد در مراتب بعدی قرار دارند. از نظر وضعیت اشتغال، در بین پاسخگویان شغل کارگر با (۱۷.۳) درصد بالاترین میزان را داشته و در ادامه مشاغل خانه‌دار (۱۵.۳) و سایر مشاغل با (۲۰.۰) درصد، کارمند با (۱۳.۳) درصد، کاسب با (۱۳.۰) درصد، کشاورز با (۸.۵) درصد و در نهایت دانش آموز (۱.۳) و دامدار با (۱.۰) درصد در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند.

توصیف متغیر دینداری:

با توجه به نتایج جدول زیر، میانگین دینداری در بین ساکنین مسکن مهر اندکی بیشتر از ساکنین سطح شهر می‌باشد. اما با توجه به پایین بودن عدد p و عدم معناداری، قابل تعمیم به جامعه آماری نبوده و تنها می‌توان در مورد نمونه مورد مطالعه مورد توجه قرار داد.

توصیف متغیر بی‌سازمانی اجتماعی:

با توجه به نتایج جدول زیر، میانگین بی‌سازمانی اجتماعی در بین ساکنین مسکن مهر اندکی بیشتر از ساکنین سطح شهر می‌باشد. اما با توجه به پایین بودن عدد p و عدم معناداری، قابل تعمیم به جامعه آماری نبوده و تنها می‌توان در مورد نمونه مورد مطالعه مورد توجه قرار داد.

یافته‌های استنباطی:

نتایج تحلیل واریانس متغیرهای اصلی تحقیق:

جدول شماره (۱) - تحلیل واریانس متغیر دینداری بین دو منطقه مسکن مهر و سطح شهر

متغیر	نام منطقه	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
دینداری	مسکن مهر	۳۱.۲۳	۱۸.۸۹۱	۰.۱۱۸
	سطح شهر	۲۹.۸۰	۲۰.۴۸۹	

جدول فوق مقایسه میانگین درون‌گروهی و برون‌گروهی متغیر دینداری در دو موقعیت مسکن مهر و سطح شهر را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که، تفاوت میانگین دینداری در دو موقعیت مسکن مهر و سطح شهر با سطح معناداری ۰.۱۱۸ تأیید نشده و بنابراین تفاوت معناداری بین میانگین دینداری در دو موقعیت مسکن مهر و سطح شهر وجود ندارد، بنابراین فرضیه تأیید نمی‌شود.

جدول شماره (۲) - تحلیل واریانس متغیر بی‌سازمانی اجتماعی بین دو منطقه مسکن مهر و سطح شهر

متغیر	نام منطقه	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
بی‌سازمانی اجتماعی	مسکن مهر	۳۸.۲۱	۱۹.۷۴۶	۰.۷۴۰
	سطح شهر	۳۶.۲۲	۲۰.۸۷۵	

جدول فوق مقایسه میانگین درون گروهی و برون گروهی متغیر بی‌سازمانی اجتماعی در دو موقعیت مسکن مهر و سطح شهر را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که، تفاوت میانگین بی‌سازمانی اجتماعی در دو موقعیت مسکن مهر و سطح شهر با سطح معناداری ۰.۷۴۰ تأیید نشده و بنابراین تفاوت معناداری بین میانگین بی‌سازمانی اجتماعی در دو موقعیت مسکن مهر و سطح شهر وجود ندارد ، بنابراین فرضیه تأیید نمی‌شود.

مقایسه میانگین متغیرهای تحقیق به تفکیک شهرستان:

جدول شماره (۳) - مقایسه میانگین دینداری در شهرهای مختلف استان

شهر محل سکونت	نام محله	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
دامغان	سطح شهر	۱۹.۰۷	۱۵.۹۷۹	۰.۳۴۵
	مسکن مهر	۲۸.۵۱	۲۰.۸۴۹	
سمنان	سطح شهر	۳۰.۶۳	۱۸.۸۰۸	۰.۹۹۵
	مسکن مهر	۳۱.۹۱	۱۹.۱۴۳	
شاهرود	سطح شهر	۳۵.۹۰	۲۳.۴۹۴	۰.۱۰۸
	مسکن مهر	۳۲.۲۱	۱۸.۴۰۶	
گرمسار	سطح شهر	۳۵.۰۲	۱۸.۶۴۵	۰.۷۰۵
	مسکن مهر	۳۰.۷۰	۱۷.۸۹۴	

با توجه به نتایج جدول فوق، میانگین دینداری در تمامی شهرها در بین ساکنین مسکن مهر اندکی بیشتر از ساکنین سطح شهر بوده اما به دلیل بالا بودن عدد p و عدم معناداری، قابل تعمیم به جامعه آماری نبوده و تنها در مورد نمونه مورد مطالعه می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. شاهرود از بین شهرستان‌های استان سمنان بالاترین میانگین دینداری را داراست. بعد از آن به ترتیب، شهرستان‌های گرمسار، سمنان و دامغان قرار گرفته‌اند.

جدول شماره (۴) - مقایسه میانگین بی‌سازمانی اجتماعی در شهرهای مختلف استان

شهر محل سکونت	نام محله	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
دامغان	سطح شهر	۴۱.۳۹	۲۲.۹۹۶	۰.۹۰۷
	مسکن مهر	۴۱.۶۴	۲۱.۱۹۸	
سمنان	سطح شهر	۳۵.۱۰	۱۵.۵۰۷	۰.۶۹۷
	مسکن مهر	۳۸.۲۸	۱۴.۶۳۹	
شاهرود	سطح شهر	۳۳.۳۳	۲۳.۹۰۶	۰.۹۸۰
	مسکن مهر	۳۵.۴۹	۲۳.۶۲۵	
گرمسار	سطح شهر	۳۴.۴۸	۱۸.۸۵۷	۰.۹۲۷
	مسکن مهر	۳۹.۶۴	۱۹.۱۸۳	

با توجه به نتایج جدول فوق، میانگین بی‌سازمانی اجتماعی در تمامی شهرها در بین ساکنین مسکن مهر اندکی بیشتر از ساکنین سطح شهر بوده اما به دلیل بالا بودن عدد p و عدم معناداری، قابل تعمیم به جامعه آماری نبوده و تنها در مورد نمونه مورد مطالعه می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. در بین شهرستان‌های استان سمنان، شهرستان دامغان از میانگین بی‌سازمانی اجتماعی بالاتری نسبت به سایر شهرستان‌ها برخوردار است. گرمسار، سمنان و شاهرود در مراتب بعدی بی‌سازمانی اجتماعی قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری:

از مباحث مهم در حوزه جامعه‌شناسی توسعه، بررسی تأثیر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی جامعه و گروه‌های اجتماعی جامعه است. در گستره مطالعات مربوط به توسعه، بررسی مسائل جمعیتی و از جمله شهرنشینی، فصلی مهم به خود اختصاص می‌دهند و «مسکن» به‌عنوان مسئله‌ای اقتصادی - اجتماعی، یکی از اجزایی است که در بررسی‌های مربوط به فرایندهای رشد شهری در جوامع رو به توسعه، همواره

یک مشکل پیچیده ارزیابی شده است (کاو، ۱۳۹۱:۳). در گسترش شهرنشینی و سرعت در ساخت‌وسازهای جدید که خود منبعث از پیشرفت فن‌آوری و اعتلای سطح زندگی انسان بوده است، شاهد دو نکته متقابل هستیم، از طرفی گسترش بی‌رویه و سرعت در ساخت‌وسازها تا حدودی جوابگوی نیازهای کمی و مادی زندگی انسان بوده است و از طرف دیگر باعث نزول جنبه‌های کیفی و بعضاً بی‌توجهی به عرصه‌های معنایی، فرهنگی و روانی در زندگی انسان گردیده است، تا آنجا که در دوران معاصر مجدداً جنبه‌های متعالی و معنایی در مقام بازبینی قرار گرفته است (اخوان خرازی، ۱۳۸۷:۵۲). استان سمنان نیز هم‌زمان با سایر استان‌های کشور، نسبت به احداث مسکن مهر برای اقشار کم‌تر برخوردار اقتصادی اقدام کرد و اکنون شاهد سکونت افراد زیادی از گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی در این کلونی‌های مسکونی هستیم. قطعاً هرگونه برنامه‌ریزی و برآورد اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و حتی سیاسی برای این اماکن مستلزم شناخت ابعاد مختلف جمعیت شناختی، نگرش‌ها و گرایش‌های ساکنان آن می‌باشد. موضوعی که اکنون فقدان آن به‌وضوح احساس می‌شود. لذا این پژوهش تلاش خواهد کرد نسبت به توصیف وضع موجود ابعاد ذکرشده در مسکن مهر استان سمنان اقدام کرده و سپس نسبت به شناسایی روابط متغیرهای مطرح‌شده اقدام و درنهایت عوامل اثرگذار بر گرایش به ارتکاب جرم و آسیب‌های اجتماعی را همراه با میزان اثر آن‌ها معرفی نماید. هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین سکونت در مسکن مهر و گرایش به ارتکاب جرائم و آسیب‌های اجتماعی در استان سمنان بوده است.

در پژوهش حاضر، با توجه به چارچوب نظری و تحقیقات انجام شده در این حوزه، برخی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی بین دو منطقه مسکن مهر و سطح شهر در شهرستان‌های استان سمنان که شامل (سمنان، دامغان، شاهرود و گرمسار) هستند، مورد بررسی قرار گرفت. این عوامل عبارت بودند از: بی‌سازمانی اجتماعی، دینداری.

نتایج تجربی:

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین سکونت در مسکن مهر و گرایش به ارتکاب جرائم و آسیب‌های اجتماعی در استان سمنان بوده است. در این راستا بر اساس چارچوب نظری تحقیق دو دسته عوامل (اجتماعی و فرهنگی) به جهت سنجش رابطه بین

گرایش به ارتکاب جرائم و آسیب‌های اجتماعی با سکونت در مسکن مهر استان سمنان استفاده شده است. متغیرهای اصلی این پژوهش شامل بی‌سازمانی اجتماعی، دینداری هستند. همچنین از متغیرهایی همچون سن، جنس، وضعیت تأهل، قومیت، مذهب، سطح تحصیلات و ... به عنوان متغیرهای زمینه‌ای استفاده شده است.

بر اساس یافته‌های اصلی پژوهش، از نظر جنسیت، ۵۲.۵ درصد از جمعیت نمونه را مردان و ۴۷.۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. به عبارتی دیگر تعداد کمتر از نصف نمونه آماری را مردان و تعداد بیشتری را مردان شامل شده‌اند. بنابراین، تعداد مردان نمونه آماری بیشتر از زنان هستند. همچنین میانگین سنی پاسخگویان، ۴۰.۰۸ می‌باشد. (۶۴.۰) درصد از پاسخگویان، متأهل، (۲۵.۸) درصد از پاسخگویان مجرد، (۵.۸) درصد از پاسخگویان طلاق گرفته، (۴.۰) درصد از پاسخگویان همسر فوت شده هستند. اکثریت پاسخگویان متأهل هستند. (۶۰) درصد از پاسخگویان در شهرهای سمنان و شاهرود زندگی می‌کنند و (۴۰) درصد از آنان در شهرهای دامغان و گرمسار سکونت دارند. (۰.۸۹) درصد از پاسخگویان فارس بوده و تنها (۱۱) درصد از پاسخگویان از قوم‌های (آذری، کرد، لر، لک، عرب، بلوچ، مازنی و ...) بوده‌اند. (۰.۹۹) درصد از پاسخگویان، مسلمان شیعه بودند و (۰.۸) درصد از پاسخگویان مسلمان سنی و در نهایت، (۰.۳) درصد از پاسخگویان، از ادیان دیگر بودند. از نظر سطح تحصیلات، مقطع کارشناسی با (۲۳.۸) درصد بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است و در ادامه دیپلم با (۲۹.۳)، کاردانی با (۱۳.۰) درصد، راهنمایی با (۱۰.۰)، کارشناسی ارشد و ابتدایی با (۸.۵) درصد، و در نهایت دکتری با (۳.۸) درصد در مراتب بعدی قرار دارند. از نظر وضعیت اشتغال، در بین پاسخگویان شغل کارگر با (۱۷.۳) درصد بالاترین میزان را داشته و در ادامه مشاغل خانه‌دار (۱۵.۳) و سایر مشاغل با (۲۰.۰) درصد، کارمند با (۱۳.۳) درصد، کاسب با (۱۳.۰) درصد، کشاورز با (۸.۵) درصد و در نهایت دانش‌آموز (۱.۳) و دامدار با (۱.۰) درصد در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند.

همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش میانگین متغیرهای دینداری، بی‌سازمانی اجتماعی در بین ساکنین مسکن مهر اندکی بیشتر از ساکنین سطح شهر می‌باشد. اما با توجه به بالا بودن عدد p و عدم معناداری، قابل تعمیم به جامعه آماری نبوده و تنها می‌توان در مورد نمونه مورد مطالعه مورد توجه قرار داد.

میانگین دینداری در تمامی شهرها در بین ساکنین مسکن مهر اندکی بیشتر از ساکنین سطح شهر بوده اما به دلیل بالا بودن عدد p و عدم معناداری، قابل تعمیم به جامعه آماری نبوده و تنها در مورد نمونه مورد مطالعه می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. شاهرود از بین شهرستان‌های استان سمنان بالاترین میانگین دینداری را داراست. بعد از آن به ترتیب، شهرستان‌های گرمسار، سمنان و دامغان قرار گرفته‌اند. میانگین بی‌سازمانی اجتماعی در تمامی شهرها در بین ساکنین مسکن مهر اندکی بیشتر از ساکنین سطح شهر بوده اما به دلیل بالا بودن عدد p و عدم معناداری، قابل تعمیم به جامعه آماری نبوده و تنها در مورد نمونه مورد مطالعه می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد. در بین شهرستان‌های استان سمنان، شهرستان دامغان از میانگین بی‌سازمانی اجتماعی بالاتری نسبت به سایر شهرستان‌ها برخوردار است. گرمسار، سمنان و شاهرود در مراتب بعدی بی‌سازمانی اجتماعی قرار گرفتند.

محدودیت‌های پژوهش:

متأسفانه به دلیل عدم توجه متخصصان و محققان علوم اجتماعی به آسیب‌شناسی مسکن مهر و حتی در دسترس نبودن یافته‌های توصیفی از مسکن مهر، در بخش پیشینه تجربی پژوهش و همچنین بررسی تطبیقی نتایج تحقیق با سایر تحقیقاتی که در این حوزه نوشته شده است، محقق در این پژوهش محدودیت داشته است.

پیشنادهای پژوهش:

با توجه به محدود بودن پژوهش‌ها در مورد آسیب‌شناسی مسکن مهر در حوزه علوم اجتماعی، پیشنهاد می‌شود، سایر محققین در استان‌های دیگر این موضوع را ورود بررسی و مقایسه تطبیقی قرار داده و پیشنهادهای کاربردی به جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی مسکن مهر ارائه دهند.

محقق در پژوهش حاضر، تنها قادر به بررسی چهار متغیر اجتماعی و فرهنگی و بررسی رابطه آن با مسکن هر بوده است. پیشنهاد می‌شود سایر محققین هم در استان

سمنان و هم سایر استان‌ها به بررسی متغیرهای اجتماعی و فرهنگی دیگری در مورد مسکن مهر بپردازند.

پیشنهاد می‌شود، با تقویت نگرش به ارزش‌های اجتماعی و همچنین ارتقای سطح دینداری شهروندان، گرایش به قانون‌گریزی را در بین شهروندان ساکن مسکن مهر کاهش دهیم.

- با توجه به اینکه بیشترین بی‌سازمانی اجتماعی به ترتیب مربوط به شهرستان‌های دامغان، گرمسار، سمنان و شاهرود بوده است، نتایج این تحقیق به فرمانداری‌های هر یک از شهرستان‌ها ارسال تا نسبت به مرتفع نمودن مشکل بی‌سازمانی اقدام شود. همچنین نتایج این بخش قابل طرح در کارگروه اجتماعی و فرهنگی استانداری و کمیسیون‌های عمرانی و تصمیم‌گیر از قبیل شهرداری‌ها می‌باشد.

- با توجه به اینکه بیشترین قانون‌گریزی در مسکن مهر به ترتیب مربوط به شهرستان‌های سمنان، شاهرود، گرمسار و دامغان است، با مقایسه تطبیقی این گرایش و آمارهای عینی، نسبت به اتخاذ تصمیمات کاربردی و عملی در کمیسیون‌ها و کارگروه‌های مربوطه اقدام شود.

- هر چند در مورد سایر متغیرها نیز چنین پیشنهادهایی قابل طرح است، اما ذکر این نکته ضروری است که تفاوت‌چندانی در کل بین وضعیت ساکنین مسکن مهر با سایر نقاط شهرستان در ارزش‌ها و نگرش‌های ذکر شده در این تحقیق نبوده است.

منابع

- حجازی، سید جعفر، (۱۳۹۳)، " ارزیابی وضعیت طرح مسکن مهر از دیدگاه ساکنان (مطالعه موردی : مسکن مهر ماهشهر)"، توسعه اجتماعی، دوره نهم، شماره ۲ علمی - پژوهشی، ۲۵۶ تا ۲۳۹.
- سید زاده ثانی، سید مهدی؛ جلالی ، محدثه، (۱۳۹۴) " بررسی بسترهای قانونی جرم‌زا در پروژه‌های مسکن مهر با توجه به اصول محیطی پیشگیری از جرم" وکیل مدافع، شماره ۱۴، ۲۹ تا ۵۲.
- صید بیگی، صادق (۱۳۹۴)، " آسیب‌شناسی مسکن مهر نمونه موردی مسکن مهر ایلام" سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری.
- علا والدینی، پویا؛ جمشیدی نسب، مریم، (۱۳۹۴)، " مسکن مهر و حق به شهر جماعت‌های جدید: مطالعه موردی پروژه پرند" توسعه محلی، دوره هفتم، شماره ۲، ۲۴۱ تا ۲۵۸
- عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، محمدباقر؛ اسلامی بناب، سید رضا (۱۳۹۰)، " بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی"، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، شماره ۱، ۱۴۵ تا ۱۷۲
- کریمی مزیدی، سجاد؛ زارعی محمودآبادی، حسن؛ قادری ثانوی، رمضان علی؛ حبیب پور گتایی، کرم؛ علی پور، فردین، (۱۳۹۱)، "رابطه سرمایه اجتماعی و کج‌روی در بین دانش آموزان پسر ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران"، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰
- ناصری، علی محمد؛ نقوی، احسان، (۱۳۹۶)، " آپارتمان‌نشینی در شهرهای ایرانی- اسلامی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن : نمونه مورد مطالعه: مسکن مهر بروجرد" معماری سبز، شماره ۶، ۹ تا ۱۸.
- وطن‌پرست، راضیه؛ ملکی پور، سمیه، (۱۳۹۲)، " بررسی روندهای مهاجرت و آسیب‌های اجتماعی ، با تأکید بر (پاکدشت، پیشوا، دماوند، فیروزکوه، ورامین)، فصلنامه دانش انتظامی شرق تهران، سال اول، شماره ۱، ۱۰۱ تا ۱۳

relationship between crime tendency and social harm Residing in Social housing(Mehr Housing) in Semnan Province

Shabani morteza

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between residence in Social housing)Mehr housing(and the tendency to commit crimes and social damages in Semnan province. Based on the theoretical framework of the research, two categories of factors (social and cultural) were used to measure the relationship between The tendency to commit crimes and social harm by living in the housing of Social)Mehr(rovince of Semnan has been used. The main variables of this study include: tendency towards law-making and attitude towards social values. Also variables such as age, sex, marital status, ethnicity, religion, education level, etc. were used as background variables. The findings showed that the average of variables of attitude toward social values and tendency to law-abiding among the inhabitants of Mehr housing is slightly higher than the residents of the city. Also, according to the research findings of Garmsar city, among the other cities of Semnan province, the most tendency to evasion law. Finally, Semnan, Shahroud and Damghan cities tend to evade

Keywords:

Committing Offenses, Social Injuries, Social housing)Mehr Housing(, Semnan Province